نگاه

طرازی جدید برای دانش تاریخی بی‌بی‌سی!

محمدرضا کائینی

در شامگاه چهارشنبه دوازدهمین روز از خردادماه سال جاری، بخش فارسی تلویزیون دولتی انگلستان اقدام به پخش گزارشی کرد که می‌توان آن را نمادی از گستره اطلاعات تاریخی و دانش گردانندگان جدید این شبکه قلمداد کرد. در واقع این شبکه تلویزیونی که صرف نظر از تمامی جنبه‌های منفی کارکرد خود درباره ایران، دست‌کم به کار حرفه‌ای خبری شهرت داشت، نشان داد که در مقطع کنونی فعالیت خود و با دادن اختیار خویش به برخی «نوباوگان»، به چه رتبه‌ای از قدرت تحلیل تاریخی تنزل کرده است! این بلیه در آغاز و به ویژه پس از رویدادهای سال ۸۸، نخست دامن تلویزیون فارسی‌زبان امریکا را گرفت و اینک به تلویزیون دولتی انگلستان تسری یافته است، هرچند که در سال‌های اخیر در مستندهای تاریخیِ خواهرخوانده بی‌بی‌سی، یعنی شبکه «من وتو» نیز شاهد پاره‌ای مطایبات تاریخی بوده‌ایم. با این حال، برای دانستن اینکه متولیان بی‌بی‌سی دقیقاً چه تابلویی ترسیم کرده‌اند، اشاره به چند نکته خالی از لطف نیست: ۱- از ابتدایی‌ترین لوازم استناد به اسناد آرشیوها، ارائه «شماره گلاسه» سند برای مراجعه محققین و ارزیابی میزان صحتِ برداشت استنادکننده است. درغیر این‌صورت آنچه به عنوان سند منتشر می‌شود ارزش استناد ندارد و فاقد اعتبار تلقی می‌شود. تصویری که در سایت بی‌بی‌سی فارسی آمده، به بریده‌ای از کتاب و جراید می‌ماند که از نوع آن، فراوان از سوی مخالفان انقلاب اسلامی و رهبری آن در خارج از کشور منتشر شده و ارزشی بسان آنها و نه بیشتر دارد.

۲- از ابتدایی‌ترین لوازم استناد به اسناد، ترجمه دقیق آن است. در روایت بی‌بی‌سی از سند بدون شماره و آدرس خویش، مواردی از اضافات و افزوده‌های منحرف‌کننده از متن وجود دارد، که می‌توان آن را ترجمه‌ای خودساخته و ذوقی قلمداد کرد. البته با توجه به موارد مشابه در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و میدانداری عناصری که در سطور آغازین کلام بدان اشارت رفت، حتی این احتمال را هم می‌توان مطرح کرد که سازندگان روایت، حتی توانایی یک ترجمه ساده را هم ندارند!

۳- از ابتدایی‌ترین لوازم ادعای انتشار اسناد نویافته، مروری بر آثار منتشر شده در حوزه‌ای است که قرار است چنین ادعایی درباره آن صورت پذیرد. بی‌بی‌سی‌نشینان ارجمند! حتی به خود زحمت خواندن آثار منتشره در این‌باره را نیز نداده‌اند تا مثلاً بدانند که سندی که داعیه انتشارِ آغازین آن را دارند، ۲۴ سال قبل در یکی از کتب تاریخی در ایران منتشر شده است!

۴- از ابتدایی‌ترین لوازم ارائه تحلیل تاریخی، شناختی ابتدایی از عناصر و جریاناتی است که قرار است درباره آنان سخن رود. بی‌بی‌سی در معرفی واسطه پیام اول خویش، مرحوم آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای را فردی «به ظاهر غیرسیاسی» خوانده و با عجله و شتاب عکسی که نویسنده این سطور به سایت «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» اهدا کرده، را ضمیمه گزارش خویش ساخته است. نگارنده نمی‌داند که در قاموس گزارش‌نویسان بی‌بی‌سی «افراد به ظاهر غیرسیاسی» چگونه افرادی هستند؟ اما با مروری بر سوابق مرحوم کمره‌ای شاید بتوان به داده جدیدی درباره «افراد به ظاهر غیرسیاسی» دست یافت. مرحوم کمره‌ای از شاگردان قدیمی مؤسس حوزه علمیه قم و از جنبه سیاسی، تا حدی از محارم وی به شمار می‌رفت که متن تلگراف اعتراض‌آمیز استادش به رضاخان را در اختیار داشت و به همین دلیل دستگیر و زندانی شد. از آن پس هم اجازه تداوم حضور در قم را نیافت. او در دوران نهضت ملی نیز در رویدادها و تظاهرات مختلف آن دوره حضوری نمایان و با آیت‌الله کاشانی، دکتر مصدق و اعضای فدائیان اسلام نیز دوستی و ارتباطی نزدیک داشت. در اوج‌گیری انقلاب اسلامی نیز در قامت یک حامی ظاهر گشت و به طور مشخص در راهپیمایی تاریخی تاسوعای ۵۷، همدوش مرحوم آیت‌الله طالقانی بود که تصاویر آن موجود است.

۵- از ابتدایی‌ترین لوازم داوری درباره هر پدیده‌ای، شناخت ایده‌های پدیدآورندگان آن است. مثلاً وقتی برآنیم که درباره ابعاد گوناگون نگاه رهبر انقلاب اسلامی به «پدیده امریکا» سخن بگوییم، این نکته بدیهی را نباید از یاد ببریم که ایشان درصدد بود که انقلاب را با حداقل هزینه به پیروزی برساند و به متولیان سیاست خارجی امریکا تفهیم کند که اولاً: آنها نباید از یک نظام فاسد و مستبد در داخل ایران حمایت کنند و ثانیاً: در صورت تغییر رویکرد خود به احترام متقابل، می‌توانند با ایران ارتباطی طبیعی و متعارف داشته باشند، پیامی که البته از آغاز تا هم‌اینک، توسط متولیان و سیاستمداران این کشور نادیده گرفته شده است. این نگاه در برخی یاران و مشاوران نزدیک امام از جمله شهید آیت‌الله مطهری نیز وجود داشت. مثلاً مرحوم مطهری به این دلیل مهندس بازرگان را برای ریاست دولت موقت پیشنهاد کرد، که به لحاظ سابقه فکری و عملی نامبرده، حساسیت غرب در برابر انقلاب کاهش یافته و این دولت‌ها در برابر حرکت آن کمتر به سنگ‌اندازی بپردازند.

۶- و نهایتاً از ابتدایی‌ترین لوازم فعالیت یک رسانه خبری، به خدمت گرفتن محققانی است که از ابتدایی‌ترین روش‌های پژوهش مطلع و به آن وفادار باشند. به نظر می‌رسد که بی‌بی‌سی به مصداقی برای این مثل فارسی تبدیل شده که «از هول حلیم به دیگ افتاد!» به این معنا که مخالف‌خوانی به هرقیمت، کار آنها را به سخیف‌ترین کیفیت تولید سوق داده است. بنابراین بهتر است که اداره‌کنندگان این مجموعه برای حفظ آبروی خود هم که شده، از این شیوه مبتذل چشم پوشند و راهی دگر در پیش گیرند.

«جلوه‌هایی از منش مبارزاتی شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی» در گفت‌وشنود با آیت‌الله سیداحمد خاتمی

آیت‌الله سعیدی زمانی علمدار بود که کمتر صدایی برمی‌خاست

محمدرضا کائینی

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز شهادت عالم مجاهد و شجاع، شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی است. به همین مناسبت با داماد محترم ایشان حضرت آیت‌الله سیداحمد خاتمی گفت‌وشنودی انجام شده است که نتیجه آن را پیش رو دارید. امید آنکه تاریخ پژوهان را مفید افتد.

■■■

به عنوان آغازین سؤال، از منظر جنابعالی بارزترین مشخصه‌های سیاسی و مبارزاتی شهید آیت‌الله سعیدی کدامند؟

بسم الله الرحمن الرحیم. مرحوم شهید آیت‌الله سعیدی ویژگی‌های برجسته فراوانی داشتند که هر یک از آنها شایسته بررسی و مطالعه وسیع و جدی است، از جمله بُعد علمی، اخلاقی، شیوه سلوک با مردم، انقلابی‌گری، ولایت‌مداری و... بنده تلاش خواهم کرد در این فرصت اندک هر یک از این ابعاد را مختصراً بیان کنم.

نخستین ویژگی برجسته ایشان به باور بنده «علمداری» ایشان است. ایشان به‌ویژه در مقطع سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ که به تهران آمدند تا زمان شهادتشان، علمدار دین و انقلاب بودند و با شجاعت و بصیرتی کم‌نظیر، مسجد موسی بن جعفر(ع) را به پایگاه عمده مبارزه علیه رژیم طاغوت تبدیل کردند. این سال‌ها، سال‌های اوج خفقان و سکوت مبارزان است و لذا شجاعت کم‌نظیر ایشان در بیان حقایق و روشنگری در زمینه ظلم رژیم ستمشاهی برای کسانی که آن جو سنگین اختناق را تجربه نکرده‌اند، قابل تصور نیست. در آن سال‌ها حتی بردن نام حضرت امام هم جرم بود، اما شهید آیت‌الله سعیدی با کمال شجاعت از امام یاد می‌کرد و به همین دلیل همواره تحت نظر بود و ساواک دائماً گزارش‌های مبسوطی از سخنان و رفتار ایشان تهیه می‌کرد. بنده سعی می‌کنم جملات ایشان را عیناً نقل کنم تا نسل جوان ما بداند در سال‌های سنگین سکوت و خفقان ایشان با چه شجاع و بصیرت کم‌نظیری به روشنگری می‌پرداختند. شهید آیت‌الله سعیدی در سخنرانی دوم اردیبهشت سال ۱۳۴۵ می‌فرمایند: «ما سربازهای امام حسین(ع) هستیم. قیام مال ماست. گرسنگی مال ماست. ما سربازان شیعه از دنیا هیچ چیز نمی‌خواهیم. تبعید، مسافرت ما شیعه‌ها و کتک خوردن، کیف کردن و خوش‌گذرانی ما و زندان، استراحتگاه ماست. ما باید مثل شیعیان گذشته قیام و مبارزه را آغاز کنیم.» اگر به زمانی که این سخنان بیان می‌شد توجه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد دوره‌ای است که حقیقتاً نفس از حلقوم کسی درنمی‌آمد و رژیم نهایت جلادی را به کار می‌برد.

علت این فشار و خفقان رژیم سرکوب نهضت ۱۵ خرداد بود؟

بله، شاه پس از سرکوب نهضت ۱۵ خرداد تصور می‌کرد در منطقه رقیب و معارضی ندارد. وقتی کسی دچار چنین خودبزرگ‌بینی و تفرعنی می‌شود و پشتش هم به یکی از ابرقدرت‌های آن دوران یعنی امریکا گرم است، اعتراض کردن به او حکم امضا کردن سند مرگ را دارد و بصیرت و شجاعت فوق‌العاده‌ای را می‌طلبد.

اشاره کردید به ویژگی علمدار بودن و پیشنماز بودن شهید آیت‌الله سعیدی. در قرآن و کلام معصوم هم علمدار بودن یا به تعبیر قرآنی جزو «السابقون» بودن، دارای جایگاه ممتازی است. از این جنبه هم این ویژگی را تبیین بفرمایید.

همین‌طور است. کسانی که در دوران‌هایی به پا می‌خیزند و علیه ظلم مبارزه می‌کنند که کس دیگری در میدان نیست، از جایگاه والایی برخوردارند. امیر مؤمنان علی(ع) در خطبه ۱۷۳ نهج‌البلاغه سه ویژگی مهم را برای علمدار دین برمی‌شمرند و می‌فرمایند: «وَ لاَ یَحْمِلُ هذَا الْعَلَمَ إلاّ أَهْلُ الْبَصَرِ و الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ». کسی نمی‌تواند علمدار باشد، مگر اینکه صاحب این سه ویژگی باشد: بصیرت، صبر و شناسایی مواضع حق. شهید آیت‌الله سعیدی به‌حق هر سه ویژگی را داشت. بصیرت یعنی خداشناسی، پیامبرشناسی، وظیفه‌شناسی، نعمت‌شناسی و از همه مهم‌تر دشمن‌شناسی و آیت‌الله سعیدی در همه این موارد ممتاز بودند.

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید آیت‌الله سعیدی افشاگری درباره خطر صهیونیسم و امریکا در دوره‌ای است که اکثراً متوجه این خطر نبودند یا سکوت کرده بودند. تحلیل شما از این نقش‌آفرینی ایشان چیست؟

همین‌طور است. شهید آیت‌الله سعیدی در اوج اقتدار طاغوت و نفوذ و تسلط صهیونیست‌ها و امریکا بر ارکان کشور ما بارها و بارها درباره خطر این دو تذکر دادند، از جمله در ۳۱ تیر سال ۱۳۴۵ فرمودند: «امریکای استعمارگر توسط یهودی‌ها اداره می‌شود. خون جانسون هم یهودی است. ببینید در ویتنام چگونه آزادی‌خواهان را به نام اینکه می‌خواهند صلح برقرار کنند قتل عام می‌کنند. ببینید به چه طرز فجیعی مردم را نابود می‌سازند. باید این دشمنان بشر را شناخت.» و در جای دیگری در تاریخ ۴ مرداد سال ۱۳۴۶ فرمودند: «به هر نحوی که به اسرائیل کمک شود حرام است. معامله کردن با یهود کمک به اسرائیل است. هر چند دولت ایران خودش به اسرائیل کمک می‌کند و ادعای مسلمانی هم دارد». شهید آیت‌الله سعیدی حاشیه‌پردازی نمی‌کند و یکسره به ریشه می‌زند و در عین حال که انتقادهای صریح خود را از رژیم شاه مطرح می‌سازد، اصل و ریشه فساد را نیز خاطرنشان می‌کند.

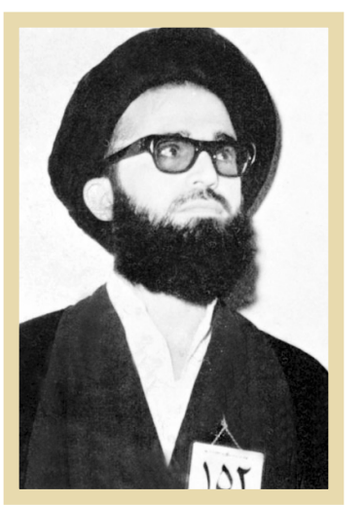

شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی در واپسین دستگیری

> ایشان به‌ویژه در مقطع سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ که به تهران آمدند تا زمان شهادتشان، علمدار دین و انقلاب بودند و با شجاعت و بصیرتی کم‌نظیر، مسجد موسی بن جعفر(ع) را به پایگاه عمده مبارزه علیه رژیم طاغوت تبدیل کردند. این سال‌ها، سال‌های اوج خفقان و سکوت مبارزان است و لذا شجاعت کم‌نظیر ایشان در بیان حقایق و روشنگری در زمینه ظلم رژیم ستمشاهی برای کسانی که آن جو سنگین اختناق را تجربه نکرده‌اند، قابل تصور نیست

شهید آیت‌الله سعیدی همواره با جریان نفاق نیز درگیر بود. این مواجهه چه ابعادی داشت؟

بله، ایشان در عین حال که اعمال رژیم شاه و عملکرد امریکا و صهیونیسم در ایران را لحظه‌ای از نظر دور نمی‌داشت، از دشمنان حاشیه‌ای که این روزها هم به‌شدت گرفتارشان هستیم غافل نبودند. ایشان در ۱۸ اسفند سال ۱۳۴۵ درباره جریان نفاق فرمودند: «این ایام به امام جواد(ع) تعلق دارد. آن حضرت فرمودند منافق از کافر بدتر است. منافقان کسانی هستند که تظاهر به دینداری می‌کنند، ولی در باطن تیشه به ریشه اسلام می‌زنند. خواه این منافق اهل مسجد باشد یا بازاری، خواه اداری باشد یا وزیر و وکیل و هر مقام دیگری. خداوند برای اینگونه منافقین ته جهنم را قرار داده است. حالا منافق خیلی فراوان است، مخصوصاً آنهایی که دم از دینداری می‌زنند، ریش می‌گذارند، تسبیح به دست می‌گیرند و نماز جماعت می‌خوانند. اگر منافق نیستند، چرا از دین دفاع و از روحانیت حمایت نمی‌کنند؟» ملاحظه می‌کنید که در اوج مبارزه با رژیم شاه خطر نفاق را هم گوشزد کرده است.

صوفی‌گری و درویش‌بازی هم توسط رژیم شاه تبلیغ می‌شد. ایشان نسبت به این خطر چه موضعی داشتند؟

طاغوت علاقه زیادی به ترویج صوفی‌گری داشت، زیرا در نقطه مقابل انقلابی‌گری قرار دارد. متأسفانه اخیراً هم چنین جریاناتی برای فریب جوانان فعال شده‌اند. شهید آیت‌الله سعیدی درباره خطر صوفی‌گری در ۱۷ شهریور سال ۱۳۴۶ این‌گونه هشدار می‌دهند: «در گذشته برای متلاشی کردن اسلام بساط صوفی‌گری و چند بلای دیگر را روی کار آوردند و امروز هم با ایجاد کاباره، سینما، تئاتر، کانون و کلوب با اسلام مبارزه می‌کنند.» در دوران طاغوت سینما و تئاتر وسیله‌ای برای ترویج فساد و فحشا بود. اسباب تأسف است که بعد از انقلاب گاهی از هنرپیشه‌ها و عوامل سینمای طاغوت تجلیل می‌کنند و مدیران فرهنگی ما گویی خوابند! شهید سعیدی معتقد بودند رژیم شاه با ایجاد این مراکز به مبارزه با اسلام و به گمراهی و فساد کشاندن جوانان پرداخته است.

پیشنهاد ایشان برای تقابل با این شگردهای رژیم شاه چه بود؟

ایشان می‌فرمودند: «جوانان ما باید ضمن شرکت در جلسات هیئت‌های مذهبی و مساجد و پیروی از دستورات رهبران عالی‌قدر اسلام، به‌خصوص حضرت آیت‌الله خمینی با بی‌دینی مبارزه کنند و فریب دام‌های دشمنان دین را نخورند.»

در دوره طاغوت جریانات چپ هم به‌شدت فعال بودند. موضع‌گیری ایشان در قبال آنان چه بود؟

خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی این جریانات از صحنه سیاسی ایران محو شدند و به فرموده امام از این پس باید کمونیسم را در موزه تاریخ سیاسی پیدا کرد، هر چند هنوز عده‌ای از افراد بی‌بصیرت که همواره از زمانه خود عقب هستند، گاهی تلاش می‌کنند این جریان مرده را دوباره زنده کنند و بدیهی است تلاش مذبوحانه‌ای می‌کنند. شهید آیت‌الله سعیدی در ۲۵ بهمن سال ۱۳۴۷ درباره کمونیست‌ها فرمودند: «امروز دشمن شماره یک اسلام کمونیست‌ها هستند که متأسفانه رجال ما با آنان از در دوستی درآمده‌اند.» این سخنان نشانه اوج بصیرت ایشان و نعمتی خدادادی بود. ایشان در مبارزه با طاغوت خستگی را نمی‌شناختند و هر بار که دستگیر و زندانی می‌شدند، بر عزم و اراده ایشان برای مبارزه با طاغوت افزوده می‌شد و با همان شهامت گذشته راه خود را ادامه می‌دادند.

درباره شجاعت ایشان سخن بسیار گفته شده است. شنیدن مصادیقی درباره این خصلت آن بزرگوار از شما مغتنم است؟

ایشان حدود یک ماه قبل از شهادتشان در ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۴۹ در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند: «باید بگویم نترسید. این من هستم که بایستی جواب سازمان امنیت و دولت و کلانتری را بدهم نه شما. پس در این صورت دیگر چرا از من کناره می‌گیرید؟ بدانید مسجد پایگاه اسلام است، نه جای خم و راست شدن. به فکر غربت اسلام باشید. به فکر حمایت از اسلام باشید. به فکر این پایگاه مقدس باشید.»

در ۹ آبان سال ۱۳۴۵ فرموده بودند: «پریروز چند نفر به من گفتند در صحبت‌های خود کمی رعایت کنم. در جواب گفتم به خدا در زندان خیلی راحت‌ترم و هیچ ترسی هم ندارم. اگر دستگاه می‌خواهد ما صحبت نکنیم، قرآن را از ما بگیرد، چون ما تابع قرآن هستیم. آقایان! تا می‌توانید با یکدیگر متحد شوید. در مجالس و مجامع روضه‌خوانی حضور یابید، چون همین مساجد سنگر اسلام هستند. با اتحاد و همبستگی جلوی ظالم‌ها و بی‌دین‌ها را بگیرید.»

در ۲۰ آذر سال ۱۳۴۵ فرمودند: «هیچ ترسی ندارم. هر کس می‌خواهد در مورد گفتارم گزارش تهیه کند، مختار است، چون اگر در این راه کشته شوم، موجب افتخار و سربلندی‌ام خواهد بود و در راه خدا به شهادت رسیده‌ام و پس از مرگم افراد مسلمان و باایمان که پی به خدماتم نسبت به اسلام برده‌اند، از من به نیکی یاد خواهند کرد.»

بازگردیم به سؤال بنیادین این گفت‌وگو، ویژگی‌های علمداران دین را برمی‌شمردید.

همان‌طور که اشاره کردم اولین ویژگی علمداران دین بصیرت است. دومین خصلتشان صبر است. صبر یعنی هزینه کردن در راه دین و بدیهی است هیچ هزینه‌ای بالاتر از شهادت وجود ندارد. شهید آیت‌الله سعیدی روزی که قدم به این میدان گذاشتند، می‌دانستند این راه به شهادت ختم می‌شود و با کمال افتخار به استقبال شهادت رفتند. ایشان جان و زندگی و همه چیزش را برای دین هزینه کرد. سومین ویژگی علمداران دین شناسایی موضع حق است که از نظر ایشان همان موضع امام بود. ایشان برای تبیین و جا انداختن مواضع امام جانش را فدا کرد. در همه سخنرانی‌های ایشان که در اسناد ساواک هم هست، همواره به صراحت از امام نام می‌بردند، آن هم در شرایطی که حتی شجاع‌ترین افراد هم از تعبیر «مرجع بزرگواری که در نجف هستند» استفاده می‌کرد، اما شهید آیت‌الله سعیدی صراحتاً نام ایشان را می‌بردند و مرجعیت امام را اعلام و مردم را هم به این موضع حق دعوت می‌کردند.

ارادت شهید آیت‌الله سعیدی به حضرت امام و متقابلاً علاقه امام به ایشان بر کسی پوشیده نیست. به مواردی از سخنان ایشان درباره امام اشاره بفرمایید.

شهید آیت‌الله سعیدی در ۱۰ دی سال ۱۳۴۵ در این باره فرمودند: «چون امشب متعلق به علی(ع) است، بد نیست از رهبری بزرگوار و مرجع عالیقدر خود که در جوار قبر آن بزرگوار به سر می‌برد یاد کنم. جان ما باید فدای این روحانی عالی‌مقام شود، زیرا جان خود را فدای امام زمان(عج) خواهد کرد. رهبر ما هر فرمایشی که فرمودند مطابق دستور اسلام است و باید از جان و دل ایشان را حمایت کنیم.» ایشان در سخنرانی دیگری در ۱۶ دی سال ۱۳۴۵ فرمودند: «ما باید از مراجع عالی‌قدر خود و ارجح از همه، سرور معظم و پیشوای عالی‌قدر شیعیان جهان، حضرت آیت‌الله خمینی حرف‌شنوی داشته و به نصایح ایشان جامه عمل بپوشانیم.» و نیز در ۲۸ مهر ماه سال ۱۳۴۶ درباره ماه رجب نوشتند: «روز ۲۱ ماه رجب برابر ۴ آبان [روز تولد شاه] مصادف با جلوس یزید بر تخت خلافت است. ای جان‌ها به فدای تو ای آیت‌الله خمینی که به فکر مردم هستی. امسال که خدمت ایشان رفتم، خادمشان گفت آقا نه از کولر استفاده می‌کنند و نه غذای خوب می‌خورند. به آقا گفتم شما هم مثل سایر مراجع زندگی کنید. آقا فرمودند: چطور می‌توانم خوب زندگی کنم وقتی می‌بینم مردم گرسنه هستند؟ اینها هستند که به فکر مردمند.»

در تاریخ ۲۵ بهمن سال ۱۳۴۷ فرمودند: «آقایان! امروز دین بی‌پناه است. اجتماع مملو از فساد است. به فرمایش‌های رهبر بزرگوار شیعیان، حضرت آیت‌الله خمینی توجه کنید. به مدارس کثیف و پر از فساد توجه داشته باشید. فرزندان خود را در این مراکز بی‌دینی به حال خود رها نسازید.» امثال شهید سعیدی‌ها و شهید غفاری‌ها در اوج ظلمت طاغوت چراغ را روشن کردند. عشق آنان به امام مانند عشق بسیجی‌های هم‌عصر ما به امام بود. آنان در آن شرایط فشار و اختناق از ولی‌فقیه حمایت کردند و این اوج بصیرت است.

جایگاه علمی و تحصیلی ایشان از نظر شما در چه مرتبه‌ای است؟

در حوزه علمیه برای تشخیص جایگاه علمی افراد چند شاخص وجود دارد. یکی از این شاخص‌ها حضور عالمانه و نقادانه در محضر اساتید است. شهید آیت‌الله سعیدی یکی از مستشکلین درس مرحوم آیت‌الله بروجردی و حضرت امام بودند. شاخص دوم تقریرنویسی است. ایشان از درس‌های مرحوم امام و مرحوم آیت‌الله بروجردی تقریرهای بسیار خوبی نوشته بودند که در جایی امانت گذاشته بودند. بعد از اینکه ایشان را دستگیر کردند، فردی که نوشته‌ها نزد او به امانت گذاشته شده بود، از ترسش آنها را از بین برد.

نکته سوم جایگاه علمی هم‌مباحثه‌ای‌های فرداست و از روی علم آنان می‌توان به جایگاه علمی فرد پی برد. هم‌مباحثه‌ای‌های ایشان آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله ستوده، آیت‌الله خزعلی و امثال این بزرگان بودند که همگی علمای برجسته حوزه بودند. شهید آیت‌الله سعیدی تا وقتی در قم بودند تدریس می‌کردند و بعضی از بزرگان کنونی شاگرد ایشان بودند.

ایشان که در سطوح بالای حوزه تدریس می‌کردند، چه شد که به تهران آمدند؟

هدف ایشان تبیین راه امام برای اقشار وسیع‌تری از اجتماع بود. ایشان به تهران آمدند تا نهضت امام را ادامه بدهند و بهترین و مفیدترین راه را آموزش‌های عمومی و کادرسازی دیدند. ایشان چهره‌هایی را پرورش دادند که بعدها جزو ارکان نظام بودند. ایشان از آن مقطع احساس کردند تکلیف آموزش‌های دینی و کادرسازی برای پیشبرد نهضت امام است.

شهید آیت‌الله سعیدی به‌قدری برای آموزش احکام اهمیت قائل بودند که در وصیت‌نامه‌شان نوشتند به‌جای فاتحه خواندن برایم احکام یاد بدهید. ایشان در آن روز این ضرورت را احساس کردند. امروز هم این امر ضرورت دارد. ایشان معتقد بودند اگر آموزش‌های دینی تأکید نشود نهضت از درون آسیب می‌بیند. شهید می‌فرمودند باید احکام را به همه آموخت و بسیار سخن درستی است، مخصوصاً در آن روزها که جریانات چپ به‌شدت فعال بودند و ایشان می‌خواستند همواره تأکید کنند که نهضت ما دینی و اسلامی است. امروز هم آموزش‌های دینی یک تکلیف و فریضه است.

از آخرین روزهای حیات ایشان و آثار شهادتشان بر نهضت امام و پیروزی انقلاب اسلامی بفرمایید.

در اینجا سخنرانی پیش از دستگیری ایشان را که بسیار روشنگرانه است نقل می‌کنم. شهید آیت‌الله سعیدی در ۱۱ خرداد سال ۱۳۴۹ دستگیر شدند و در ۲۱ خرداد سال ۱۳۴۹ به شهادت رسیدند. این سخنرانی در اول خرداد سال ۱۳۴۹ ایراد شده است: «آقایان! امشب و فردا برای جدّم، امام زمان(عج) اهمیت خاصی دارد. فردا روز تولد جدّم حضرت رسول(ص) است، ولی با کمال شرمندگی بایستی عرض کنم که این روز بزرگ برای دستگاه و مملکت ما که به اصطلاح مملکت شیعه جعفری است، اهمیتی ندارد، زیرا اگر اهمیت داشت، این روز بزرگ را هم مثل سیزده نوروز و جشن مشروطیت تعطیل می‌کردند. در کشورهای عربی روز تولد حضرت رسول(ص) تعطیل است، ولی در مملکت ما تعطیل نیست و اگر هم اعتراض کنیم، می‌گویند شما آخوندها چیزی نمی‌فهمید، ولی ما می‌گوییم شما که می‌فهمید چرا برای تعطیل کردن چنین روزی اهمیت قائل نمی‌شوید؟ پس اعراب حق دارند بگویند ایرانی یهودی است و با ملت یهود دوست است. خلاصه آقایان! شما این روز بزرگ را محترم بشمارید و خود را از خاندان عصمت جدا نکنید. با یهود و یهودیان مبارزه کنید. امشب شب عزیزی است و می‌خواستم بیشتر از اینها با شما صحبت کنم، ولی چه کنم که مجدداً به من تکلیف کرده‌اند حرف زدن موقوف. خیلی دلم می‌خواست بیش از اینها با برادران دینی خود درددل می‌کردم تا بیشتر به حقایق پی ببرند و بدانند در پس پرده چه دست‌های مرموزی دارد اسلام را از بین می‌برد که امیدوارم خدا دستشان را کوتاه و نابودشان کند. آخر چه کنم؟ نمی‌گذارند صحبت کنم و حقایق را برایتان بگویم. امیدم این است که لااقل شما به فکر قرآن، اسلام و روحانیت باشید.»

ایشان در آخرین اقدام سیاسی علیه رژیم شاه به سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها در ایران اعتراض کردند. مقام معظم رهبری در یک سخنرانی فرمودند شهید آیت‌الله سعیدی به دستور مستقیم امریکا به شهادت رسید تا دیگر کسی جرئت نکند مقابل امریکا بایستد. این تحلیل صائبی است، اما به نظر می‌رسد رژیم با شهادت ایشان در واقع این قصد را هم داشت که از علما زهر چشم بگیرد، چون آنان بعد از رحلت آیت‌الله حکیم بیانیه دادند و مرجعیت امام را اعلام کردند.

اما اثر خون ایشان اثر خون شهید است. شهادت ایشان به علما و روحانیون شجاعت و انگیزه بیشتری داد تا راه ایشان را ادامه بدهند. در این راستا شهید آیت‌الله غفاری در سال ۱۳۵۳ به شهادت رسیدند و این مسیر سرخ ادامه یافت تا زمانی که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.